

مسعود اخوان کاظمی^۱

پس از گذشت حدود ۵ سال از تشکیل سازمان همکاری شانگهای (SCO)، اهمیت و جایگاه این سازمان در بین سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی بطور روزافزونی افزایش پیدا کرده است. چین و روسیه دو ستون اصلی این سازمان، همکاری‌های اقتصادی، تجاری و نظامی خود را گسترش داده‌اند و به صورتی صریح‌تر با یکجانبه‌گرایی آمریکا و حضور و نفوذ آن در منطقه آسیای مرکزی به مخالفت برخاسته‌اند. از منظر ژئواستراتژیک، قدرت نظامی، مساحت، جمعیت و توان اقتصادی کشورهای عضو این سازمان آن را به عاملی تعیین‌کننده در تحولات منطقه‌ای تبدیل نموده است. بخصوص با توجه به امکان پیوستن هند، پاکستان و ایران به این سازمان به عنوان اعضای رسمی (این کشورها در حال حاضر، اعضای ناظر در SCO محسوب می‌شوند)، موازنه استراتژیک قدرت در آسیا به نحو چشمگیری به هم خواهد خورد و ظهور یک بلوک آسیایی قدرتمند را شاهد خواهیم بود که آشکارا در تقابل با جهان تک‌قطبی مورد نظر آمریکا قرار خواهد گرفت و پایان یکجانبه‌گرایی آمریکا را نوید خواهد داد.

نوشتار حاضر ابتدا با بیان وزن و اهمیت سازمان همکاری شانگهای خواهد پرداخت و ضمن مرور تاریخچه و اعضای آن، ساختار و اهداف این سازمان را مورد بررسی قرار خواهد داد. همچنین مباحثی در خصوص قابلیت‌ها و پتانسیل‌های این سازمان و کانونهای قدرت آن و همکاری مابین کشورهای عضو مطرح خواهند شد و روند شکل‌گیری یک بلوک آسیایی قدرتمند در تقابل با حضور آمریکا در آسیای مرکزی، مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. علاوه بر این، دیدگاه و واکنشهای آمریکا نیز در قبال اهمیت ژئواستراتژیک روزافزون سازمان همکاری شانگهای در این مقاله مورد اشاره قرار خواهد گرفت. سرانجام در بخش پایانی، چشم‌اندازی از آینده این سازمان و تحولات مرتبط با آن ارائه خواهد گردید.

۱. تاریخچه، ساختار و اهداف سازمان همکاری شانگهای (SCO)

الف) تاریخچه

تاریخچه شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای به مذاکرات مرزی چین و شوروی (که بعداً روسیه نامیده شد) در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی بازمی‌گردد. در نتیجه توافقنامه‌هایی که طی سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۴ بین دو کشور منعقد گردید، خطوط مرزی بین چین و روسیه تنظیم گردید. ۴۶۰۰ مایل خطوط مرزی چین و روسیه بارها طی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی شاهد درگیری‌های مرزی بین نیروهای نظامی دو کشور بوده است. پس از فروپاشی شوروی، سه کشور تازه استقلال یافته آسیای مرکزی که هم‌مرز با چین بودند - یعنی قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان - در مذاکرات مرزی بین چین و روسیه شرکت کردند و سرانجام در آوریل ۱۹۹۶ پنج کشور مذکور توافقنامه‌ای را تحت عنوان «توافقنامه اعتمادسازی در مناطق مرزی» به امضاء رساندند که به موجب آن، دول مذکور متعهد شدند محدودیتهایی را در استقرار نیروهای نظامی و فعالیتهای نظامی خود در یک منطقه غیر نظامی مرزی به طول ۱۰۰ کیلومتر (۶۲ مایل) اعمال نمایند. از آنجایی که توافقنامه مذکور در شانگهای منعقد شده بود، پنج کشور مذکور از این پس به نام کشورهای عضو «شانگهای پنج» معروف شدند. باید خاطر نشان نمود که ابتکار تشکیل گروه شانگهای پنج توسط چین مطرح گردید.

یک سال بعد، در اجلاس سران کشورهای عضو گروه شانگهای پنج در مسکو، قرارداد دیگری در زمینه کاهش نیروهای نظامی در مناطق مرزی مشترک منعقد گردید. در ۱۹۹۸ در اجلاس سران کشورهای شانگهای پنج در آلمانی، کشورهای عضو توجه خود را به تهدیدات دیگری که امنیت آنها و حکومت‌هایشان را مورد چالش قرار می‌داد معطوف کردند. در ۱۵ ژوئن سال ۲۰۰۱، ازبکستان که عضو ناظر سازمان در اجلاس سران سال ۲۰۰۰ بود، به عضویت کامل شانگهای پنج درآمد و در همین روز، شش کشور عضو مشترکاً تشکیل سازمان همکاری شانگهای (SOC) را اعلام نمودند. بدین ترتیب، SCO با مشارکت دو ابر قدرت چین و روسیه و

چهار کشور آسیای مرکزی (قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان، ازبکستان) به عنوان یک سازمان بین‌المللی پا به عرصه وجود گذاشت و طی پنج سال حیات خود تاکنون، توانسته است چهار کشور ایران، پاکستان، مغولستان و هند را نیز به عنوان اعضای ناظر به جمع اعضای خود بپذیرد. همچنین در ژوئن ۲۰۰۲، سران کشورهای عضو SCO در سنت پترزبورگ منشور این سازمان را به امضا رساندند که در آن، اهداف، اصول، ساختار و نحوه اقدامات و همکاری‌ها و گرایش‌ها در حوزه روابط خارجی SCO تشریح شده است. با تصویب این منشور، SCO رسماً از لحاظ حقوق بین‌الملل در زمره سازمانهای شناخته شده و رسمی بین‌المللی قرار گرفت.

ب) ساختار SCO

۱. شورای سران کشورهای عضو: این شورا عالی‌ترین ارگان SCO محسوب می‌شود.

مهمترین وظایف آن عبارتند از:

- تعیین اولویتها و جهت‌گیری‌های اساسی در فعالیتهای SCO؛

- مشخص نمودن مهمترین مسایل ساختاری و عملیاتی در داخل SCO؛

- تصمیم‌گیری در زمینه اصول همکاری‌های SCO با سایر کشورها و یا سازمانهای

بین‌المللی؛

- بررسی مسایل مهم بین‌المللی؛

شورای سران کشورهای عضو بطور مرتب هر سال یک بار به ترتیب در کشورهای عضو و

براساس حروف اول نام این کشورها در الفبای روسی، برگزار می‌شود. کشور میزبان، ریاست

دوره‌ای این شورا را بر عهده می‌گیرد.

۲. شورای نخست‌وزیران: وظایف این شورا عبارتند از:

- تنظیم بودجه SCO؛

- بررسی و تعیین مهمترین حوزه‌های همکاری در زمینه‌های خاص در چارچوب SCO

بویژه در زمینه‌های اقتصادی؛ نشست‌های این شورا نیز بطور مرتب، هر سال یکبار برگزار می‌شود.

۳. شورای وزرای خارجه: مهمترین وظایف این شورا عبارتند از:

- مطالعه و بررسی عمده‌ترین مسایل مربوط به فعالیتهای جاری SCO، به‌ویژه فراهم

کردن مقدمات نشست شورای سران کشورهای عضو؛

- اجرای تصمیمات متخذه؛

- مشورت در مسایل بین‌المللی.

نشست شورای وزرای خارجه هر سال یک بار و یک ماه قبل از برگزاری شورای سران

تشکیل می‌شود. وزیر خارجه کشور میزبان نشست سران، ریاست شورای وزرای خارجه را برعهده می‌گیرد و در عین حال هدایت روابط خارجی SCO را در طول سال عهده‌دار می‌شود.

۴. کنفرانس رؤسای آژانسها: مهمترین وظیفه این کنفرانس، مطالعه و حل مسایل

خاص مربوط به همکاری در حوزه‌های تخصصی می‌باشد. بدین ترتیب، دادستانهای کل، وزرای دفاع، اقتصاد، تجارت، حمل‌ونقل، فرهنگ، امنیت و رؤسای آژانسهای امور اضطراری و کمک‌رسانی در حوادث و بلایای غیرمترقبه کشورهای عضو بطور مرتب نشستهایی را با یکدیگر برگزار می‌کنند.

۵. شورای هماهنگ‌کنندگان ملی: این شورا یک ارگان هماهنگ‌کننده و مدیریتی

SCO است که فعالیتهای جاری و معمول SCO را تنظیم و هدایت می‌کند و سالیانه حداقل سه‌بار تشکیل جلسه می‌دهد. رئیس آن، مسئول هماهنگ‌کننده ملی در کشور میزبان شورای سران SCO می‌باشد.

۶. دبیرخانه: دبیرخانه ارگان دائمی و اجرایی SCO محسوب می‌شود مگر آن در پکن و

بخش اعظم بودجه آن توسط چین تأمین می‌شود. مهمترین وظایف دبیرخانه عبارتند از:

- فراهم کردن حمایت‌های سازمانی و تکنیکی برای فعالیتهای SCO؛

- شرکت در بررسی، مطالعه و اجرای اسناد SCO و ارائه پیشنهادات برای تصمیم‌گیری در خصوص بودجه سالیانه SCO؛ دبیر اجرایی توسط شورای سران کشورهای عضو تعیین می‌گردد. کشورهای عضو هر کدام به ترتیب و بر اساس حروف الفبای روسی به مدت ۳ سال مسئولیت دبیر اجرایی را بر عهده می‌گیرند.

۷. ساختار منطقه‌ای ضد تروریسم (RATS): این تشکیلات نیز یکی از ارگانهای دائمی SCO محسوب می‌شود که در سال ۲۰۰۲ میلادی تأسیس شده و مقر آن در تاشکند پایتخت ازبکستان است. مهمترین وظیفه این ساختار ایجاد هماهنگی فعالیتهای کشورهای عضو SCO در مقابله با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراطی‌گری می‌باشد. این تشکیلات دارای یک شورا است که وظیفه تصمیم‌گیری و رهبری آن را بر عهده دارد و از مقامات ارشد کشورهای عضو تشکیل شده است. همچنین یک کمیته اجرایی نیز در این تشکیلات وجود دارد که بدنه اجرایی آن محسوب می‌شود و رئیس آن توسط شورای سران تعیین می‌گردد.

ج) اهداف SCO:

- براساس منشور SCO و بیانیه تشکیل آن، اهداف اصلی این سازمان عبارتند از:
 - تقویت اعتماد متقابل و حسن همجواری و دوستی فی‌مابین کشورهای عضو؛
 - گسترش همکاری‌های مؤثر در مسایل سیاسی، اقتصادی و تجارت، علوم و تکنولوژی، فرهنگ و تربیت، انرژی، حمل و نقل، حفاظت از محیط زیست و سایر زمینه‌ها.
 - همکاری در زمینه حفظ صلح، امنیت و ثبات در منطقه؛
 - همکاری در برقراری نظم بین‌المللی جدیدی در حوزه سیاست و اقتصاد و ایجاد دموکراسی، عدالت و عقلانیت.
- همچنین در منشور و بیانیه تشکیل SCO، کشورهای عضو در حوزه روابط متقابل و سیاست خارجی، خود را ملزم به پیروی از اصول اساسی زیر دانسته‌اند:

- پایبندی به اهداف و اصول منشور سازمان ملل متحد؛
 - احترام به استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی کشورهای عضو؛
 - عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر؛
 - عدم توسل و یا تهدید به زور در روابط متقابل؛
 - اصل مساوات فی مابین دول عضو؛
 - عدم تعهد؛
- گشایش در مقابل جهان خارج و علاقمندی نسبت به برقراری همه انواع گفتگو، تعامل و همکاری با سایر کشورها و سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی.
- منشور SCO اعلام می‌دارد که اعضای این سازمان می‌بایست تلاشهای خود را در جهت گسترش امنیت جهانی بر «مکانیسم‌های تصمیم‌گیری جمعی و دموکرات‌سازی روابط بین‌الملل» متمرکز نمایند. بسیاری معتقدند که این عبارت آشکارا در تقابل با یکجانبه‌گرایی آمریکایی‌هاست که به‌ویژه در حکومت جرج بوش به اوج خود رسیده است. با این وجود، در بیانیه تشکیل SCO، تصریح شده که این سازمان، اتحادیه‌ای بر علیه دولتهای دیگر نیست.
- کشورهای عضو SCO بتدریج از اعتمادسازی متقابل، بطرف همکاری‌های گسترده‌تر در حوزه‌های متنوعی گرایش پیدا کرده‌اند. در حال حاضر، همکاری‌های مابین کشورهای عضو SCO در زمینه‌های مختلفی از جمله امنیت، اقتصاد، حمل و نقل، فرهنگ، کمک‌رسانی در حوادث و همکاری‌های حقوقی انجام می‌شود. با این وجود، مسایل امنیتی و اقتصادی مهمترین زمینه‌های همکاری بین اعضای SCO را تشکیل می‌دهند.
- مهمترین هدف اولیه SCO مقابله با «سه نیروی شیطانی» یعنی تروریسم، جدایی طلبی و افراطی‌گری اعلام شده است. در واقع SCO یک سازمان بین‌المللی است که صراحتاً هدف اصلی خود را در مبارزه با سه نیروی شیطانی مذکور اعلام کرده است. در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ یعنی همان روزی که SCO موجودیت پیدا کرد، «کنوانسیون شانگهای بر علیه تروریسم، جدایی طلبی

و افراطی‌گری» نیز به امضای کشورهای عضو رسید و شاید برای اولین بار در عرصه بین‌المللی، واژه تروریسم، جدایی‌طلبی و افراطی‌گری به شکلی نسبتاً صریح مورد تعریف قرار گرفت. در این کنوانسیون جهت‌گیری‌های اصلی و روشها و اصول در مبارزه هماهنگ بر علیه «سه نیروی شیطانی» مذکور مورد تأکید واقع شده‌اند و بدین ترتیب زیربنای حقوقی لازم برای همکاری‌های امنیتی در داخل SCO ایجاد شده است. بر همین اساس، ولادیمیر پوتین، SCO را نقطه آغاز یک شبکه امنیتی آسیایی اعلام کرده است.

محوریت مبارزه با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراطی‌گری در SCO در واقع نشانگر نگرانی‌ها و ملاحظات امنیتی کشورهای عضو در برخورد با معضلات امنیتی عمده‌ای است که بطور مشترک امنیت ملی آنها را در معرض مخاطره قرار می‌دهند. بر همین اساس، یک نیروی واکنش سریع به عنوان یک مرکز ضد تروریسم توسط اعضای SCO تشکیل گردیده که مقر آن در بیشکک قرقیزستان است. اصل ضدیت با جدایی‌طلبی که یکی از اصول سه‌گانه مهم SCO محسوب می‌شود نیز برای کشورهای عضو از جاذبه زیادی برخوردار است زیرا به عنوان مثال، چین با شورشهای اویغورها در استان سین‌کیانگ خود مواجه است: روسیه با جنگ در چین درگیر می‌باشد و تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان نیز با گروه‌های اسلام‌گرای افراطی (مانند جنبش اسلامی ازبکستان IMU و حزب التحریر) در حال نبرد هستند. علاوه بر این، چین با استناد به این اصل می‌تواند با جدایی‌طلبی تایوان و اعلام استقلال آن به عنوان یک کشور مستقل، مخالفت کرده و از دخالت قدرتهای خارجی بویژه آمریکا در این قضیه ممانعت بعمل آورد. بر همین اساس، اعضای SCO در عمل، سرکوب گروه‌های مخالف دولتی توسط حکومت‌های کشورهای عضو را تحمل و حتی گاهی حمایت می‌کنند. اعضای SCO همچنین بخاطر دارا بودن مرزهای مشترک طولانی با یکدیگر (مثلاً روسیه دارای ۷۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با قزاقستان است که طولانی‌ترین مرز مشترک زمینی در جهان محسوب می‌شود) مانورهای نظامی و امنیتی متعددی با یکدیگر علیه تروریسم برگزار می‌کنند. علاوه بر این،

اعضای SCO مکانیسم همکاری مشترک در حوزه مقابله با مواد مخدر را نیز تنظیم کرده و به اجرا گذاشته‌اند. وزرای دفاع کشورهای عضو نیز مرتباً جلسات همکاری‌های مشترک را برگزار کرده و در آخرین نشست وزرای دفاع SCO در آوریل ۲۰۰۶، مقرر گردید که وزرای دفاع در سال ۲۰۰۷ در قرقیزستان نشستی برگزار کرده و متعاقباً مانور مشترک نظامی آتی کشورهای عضو در سال ۲۰۰۷ در روسیه نزدیک کوه‌های اورال و در مجاورت آسیای مرکزی انجام شود.

۲. SCO یک بلوک آسیایی قدرتمند در تقابل با حضور آمریکا در آسیای مرکزی

الف) کانونهای قدرت SCO

SCO در پنج سال اولیه شکل‌گیری و فعالیت خود، تلاش می‌کرد تا توجه جهانی چندانی را بطرف خود جلب نکند، اما اینک این سازمان بتدریج به یک سازمان منطقه‌ای قدرتمند تبدیل شده و در جهت تأثیرگذاری بر تحولات منطقه‌ای و مآلاً جهانی حرکت خود را آغاز نموده است. کشورهای عضو SCO منطقه‌ای در حدود ۳۰ میلیون کیلومتر مربع، یعنی سه پنجم منطقه اوراسیا، را دربر می‌گیرند و جمعیت آنها یک میلیارد و ۴۵۵ میلیون نفر، یعنی یک چهارم کل جمعیت جهان را شامل می‌شود.

الف ۱) چین و روسیه: چین و روسیه دو عضو اصلی این سازمان، هر دو از قدرتهای

جهانی دارای تسلیحات اتمی و عضو اصلی شورای امنیت سازمان ملل متحد هستند. هر دو کشور از پتانسیل‌ها و قابلیت‌های فوق‌العاده‌ای برای تبدیل SCO به یک بلوک قدرتمند آسیایی برخوردارند. ارتش آزادیبخش خلق چین (PLA)، ۲/۳ میلیون نفر عضو دارد و در عین حال دارای ۱۰ میلیون نفر نیروی ذخیره می‌باشد. امروزه می‌توان گفت که سیاست خارجی منطقه‌ای چین بر چهار پایه اصلی استوار شده است که عبارتند از:

- شرکت در سازمانهای منطقه‌ای؛

- گسترش همکاری‌های استراتژیک و تعمیق روابط دوجانبه با قدرتهای منطقه‌ای؛

- گسترش روابط اقتصادی منطقه‌ای؛

- کاهش بی‌اعتمادی و نگرانی در فضای امنیتی منطقه‌ای.

بدین ترتیب، چین که به دلایل استراتژیکی مهمی بشدت از محاصره استراتژیکی خود توسط آمریکا نگران شده است و پایگاههای نظامی آمریکا در مناطق مختلف اطراف قلمرو خود را تهدیدی اساسی بر علیه امنیت و منافع خویش ارزیابی می‌کند و به‌ویژه حضور آمریکا را در منطقه آسیای مرکزی مغایر با امنیت نظامی و منافع اقتصادی خود می‌داند، تلاش می‌کند که با تقویت هرچه بیشتر SCO از آن به عنوان یک اهرم قدرت استفاده نماید. از دیدگاه چین، SCO می‌تواند منجر به گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی چین بر منطقه آسیای مرکزی شده و عمق استراتژیک چین را در هنگام مقابله با ناآرامی‌های احتمالی در شرق استان سین‌کیانگ، گسترش دهد. از سوی دیگر، SCO می‌تواند ابزار مناسبی برای مقابله چین با سیاستهای آمریکا در آسیای مرکزی محسوب شود. در واقع، مهمترین هدف چین از تقویت SCO، تضمین امنیت دستیابی خود به منابع انرژی منطقه آسیای مرکزی و نیز فراهم ساختن بازارهای جدید برای کالاهای خویش می‌باشد. با افزایش قدرت اقتصادی چین، اشتباهات ژئواستراتژیک آن نیز گسترش بیشتری پیدا می‌کند. لذا می‌توان گفت که از دیدگاه اقتصادی، چین در نظر دارد تا SCO را به یک عامل تسهیل‌کننده حضور خود در منطقه برای گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری خود تبدیل کند. اولویت اساسی چین در حال حاضر بر حفظ صلح در منطقه آسیای مرکزی و ارتباط صلح‌آمیز با قدرتهای جهانی در جهت ارتقای رشد اقتصادی خود متمرکز شده است. در عین حال، مقامات چینی بارها بر این تأکید به عمل آوردند که کشورهای منطقه آسیای مرکزی قادر به حل مسایل خود هستند این تصریحات بدین معنی است که اولاً چین خود را در مسایل آسیای مرکزی بازیگری اصلی و ذینفع می‌داند و ثانیاً به نوعی با حضور و نفوذ آمریکا در این منطقه مخالف به عمل می‌آورد.

بنابراین می‌توان گفت که SCO سه مزیت اساسی برای چین ایجاد می‌کند که عبارتند از:

- منابع انرژی آسیای مرکزی می‌توانند نیاز فزاینده چین به انرژی را تأمین کنند. ضمناً وجود یک روسیه ملایم و بی‌خطر، به عنوان عضوی از SCO، دستیابی چین را به منابع انرژی آسیای مرکزی تسهیل و تضمین خواهد ساخت.

- چین از طریق عضویت در SCO و با همکاری سایر اعضای آن می‌تواند با خطر فزاینده جنبش‌های اسلام‌گرایانه که از قفقاز تا آسیای جنوبی گسترده شده‌اند، مقابله نماید.

- اطمینان از ثبات آسیای مرکزی، دست چین را برای پرداختن به مسئله تایوان و دریای جنوبی چین باز می‌کند و امکان تحقق اصل «چین واحد» را فراهم می‌سازد؛ ضمن اینکه دوستی با روسیه، می‌تواند دستیابی چین را به تسلیحات پیشرفته روسی تسهیل نماید.

علاوه بر این، SCO از دو جنبه دیگر برای چین دارای اهمیت است: یکی اینکه SCO اولین سازمان بین‌المللی است که مقر آن در چین قرار دارد؛ و دیگر اینکه SCO اولین سازمان امنیت دسته جمعی است که چین در آن عضویت پیدا کرده است. همچنین، عضویت روسیه در این سازمان، بطور قابل توجهی قدرت و پتانسیل آن را افزایش داده است. از نظر چین، روسیه بخوبی می‌تواند در منطقه آسیای مرکزی، اولاً مانع رشد و گسترش اسلام‌گرایی رادیکال شود، ثانیاً مانع گسترش نفوذ آمریکا شود، و ثالثاً زمینه رشد اقتصادی چین را بخوبی فراهم نماید. روسیه نیز با حدود ۴۶۰۰ مایل مرز مشترک با چین، و درگیری با تهدیدات مشترکی مانند نفوذ گروه‌های اسلام‌گرای افراطی، تروریسم، جدایی‌طلبی و از همه مهمتر گسترش حضور و نفوذ آمریکا در منطقه آسیای مرکزی، منابع خود را در تقویت و تحکیم جایگاه SCO می‌بیند.

واقعیت این است که هم چین و هم روسیه، منطقه آسیای مرکزی را بخشی از «حیات خلوت» و یا «منطقه نفوذ» خود تلقی می‌کنند. چین و روسیه از تسلط آمریکا و ناتو بر منطقه نفوذ سنتی آنها به بهانه جنگ با تروریسم، بسیار نگران هستند. بدین ترتیب منطقه غنی از انرژی آسیای مرکزی، در کانون توجه سیاست قدرتهای بزرگ قرار گرفته است. این در حالی است که این قدرتها به ذخایر عظیم انرژی حوزه خزر نیز به عنوان یک منطقه دارای اهمیت

ژئواستراتژیک می‌نگرند و رقابتهای خود را بر سر تسلط بر منابع این منطقه نیز گسترش داده‌اند^۱ در واقع حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی بهانه لازم را برای حضور فزاینده و نامحدود آمریکا در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز فراهم ساخت و متعاقب آن توافقنامه‌های متعددی بین آمریکا و کشورهای منطقه در خصوص استقرار نیروهای آمریکا در این کشورها منعقد گردید. البته در سالهای قبل از ۲۰۰۱ نیز تلاشهایی از سوی آمریکایی‌ها در این راستا صورت گرفته بود. در سال ۱۹۹۵ آمریکا، ازبکستان را «شریک استراتژیک» خود اعلام کرد و در سال ۱۹۹۸ ازبکستان به مجموعه کشورهای گوام (GUAM) (گرجستان - اوکراین - آذربایجان - مولداوی) پیوست و این مجموعه را به GUUAM تبدیل کرد.

هر پنج کشور آسیای مرکزی در چارچوب «شورای مشارکت اروپا - اتلانتیک» با پیمان ناتو همکاری دارند. جنگ در افغانستان نیز بهانه‌ای شد تا آمریکا به ایجاد پایگاههای نظامی در کشورهای مختلف آسیای مرکزی - با هدف کمک به جنگ با تروریسم در افغانستان - اقدام نموده و نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد. بر همین اساس در سال ۲۰۰۱، توافقنامه‌ای بین آمریکا و ازبکستان در مورد ایجاد یک پایگاه آمریکایی در این کشور (پایگاه نظامی خان‌آباد) منعقد شد که به موجب آن، آمریکایی‌ها امکان استفاده از پایگاهها و امکانات نظامی این کشور را پیدا کردند و توانستند اجازه استقرار نیروهای خود را در خاک ازبکستان کسب کنند. آمریکا همچنین توانست در قزاقستان، تاجیکستان و قرقیزستان به امتیازات مشابهی دست پیدا کند و موافقتنامه‌های نظامی با آنها منعقد نماید. نیروهای نظامی آمریکا در تاجیکستان تنها ۲۰۰ مایل با مرز چین فاصله دارند. در عین حال، محوریت اصلی سیاستهای آمریکا در آسیای مرکزی بر قزاقستان متمرکز شده است. البته نفوذ آمریکا بر جمهوری‌های سابق شوروی تنها در

۱. دریای خزر دارای ذخایر نفتی اثبات شده‌ای در حدود ۳۲/۸ میلیارد بشکه می‌باشد که بطور بالقوه تا ۲۱۸/۸ میلیارد بشکه می‌تواند افزایش پیدا کند. ذخایر اثبات شده گاز دریای خزر نیز در حدود ۲۳۲ تریلیون فوت مکعب برآورد شده است که معادل ذخایر گاز عربستان سعودی می‌باشد. (اداره اطلاعات انرژی آمریکا: آمار کلیدی ذخایر نفت و گاز - اوت ۲۰۰۳ میلادی)

آسیای مرکزی محدود نمی‌شود و به قفقاز و سایر نواحی نیز گسترش یافته است. به عنوان مثال در حال حاضر، اوکراین پیوستن به ناتو را جزء اولویتهای اساسی خود اعلام کرده، آذربایجان توافقات مهم امنیتی و نظامی با آمریکا برقرار نموده است، و نیروهای آمریکایی برای آموزش نیروهای گرجی در مبارزه با تروریسم، در گرجستان مستقر شده‌اند. می‌توان اهداف حضور آمریکا در منطقه آسیای مرکزی را به شرح زیر بیان داشت:

- دستیابی به منابع غنی نفت و گاز منطقه و اعمال کنترل بر آنها؛

- دستیابی به پایگاهی مستحکم برای اعمال کنترل بر تحولات سیاسی منطقه و به‌ویژه

در جنوب آسیا.

- حضور و نفوذ در قلب منطقه اوراسیا و مقابله با گسترش نفوذ چین، روسیه و ایران.

- مقابله با اسلام‌گرایی و رواج اندیشه اسلام سیاسی.

بنابراین با توجه به اولویتهای و منافع چین و روسیه در منطقه آسیای مرکزی، و با در نظر گرفتن سیاستهای آمریکا در جهت گسترش حضور و نفوذ خود در این منطقه، طبیعی است که چین و روسیه نیز برخی اختلاف‌نظرها و تضاد منافع خود را کنار گذاشته و به یک همکاری استراتژیک با یکدیگر در قالب SCO روی آورند. در واقع، هم چین و هم روسیه در مسئله لزوم شکل‌گیری یک جهان چندقطبی اشتراک نظر دارند و با هژمونی و یکجانبه‌گرایی آمریکا بشدت مخالفند و بر همین اساس با جذب کشورهای آسیای مرکزی به چارچوب SCO، تقویت پتانسیل‌های قدرت این سازمان به منظور مقابله با نفوذ آمریکا در منطقه را مد نظر قرار داده‌اند.

الف ۲) کشورهای آسیای مرکزی

به استثنای ترکمنستان که سیاست بی‌طرفی و انزوا را در روابط خارجی خود برگزیده است، چهار کشور دیگر منطقه آسیای مرکزی یعنی قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان عضو اصلی SCO محسوب می‌شوند. منطقه آسیای مرکزی اگرچه از لحاظ

استراتژیکی واجد اهمیت فوق‌العاده‌ای است اما از نظر سیاسی و امنیتی وضعیت سست و شکننده‌ای دارد و لذا محل حضور و رقابت قدرتهای بزرگ شده است. برخی از ویژگی‌های اساسی منطقه آسیای مرکزی عبارتند از:

- آسیای مرکزی از لحاظ جغرافیایی در محل تقاطع اروپا در غرب و آسیا در شرق واقع شده‌اند و از شمال به روسیه و از جنوب به جهان اسلام محدود است.

- آسیای مرکزی دارای منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز و فلزات نایاب می‌باشد. این منطقه دارای دومین مخازن بزرگ انرژی دنیاست.

- از نظر ژئواستراتژیک، آسیای مرکزی تنها منطقه جهان است که چهار قدرت هسته‌ای روسیه، چین، پاکستان و هند را به هم وصل می‌کند.

- علاوه بر روسیه، چین و آمریکا، اتحادیه اروپا، هند، ایران، ترکیه و اسرائیل نیز تلاشهای گسترده‌ای را به منظور حضور و نفوذ در این منطقه بعمل آورده‌اند.

علاوه بر این ویژگی‌های کلی، می‌توان به برخی ویژگی‌های خاص کشورهای این منطقه نیز اشاره نمود: قزاقستان با دارا بودن وسعت زیاد سرزمین، داشتن مرزهای طولانی با دو قدرت بزرگ منطقه‌ای یعنی روسیه و جمهوری خلق چین و دارا بودن بیش از ۲۳۲۰ کیلومتر ساحل در بخش شرقی و شمالی دریای خزر و وجود منابع سرشار زیرزمینی خصوصاً نفت و گاز و موقعیت استراتژیک و ممتاز در بین کشورهای منطقه از اهمیت خاصی برخوردار است. این کشور با داشتن چند نیروگاه اتمی که در امور صلح‌آمیز از آنها استفاده می‌شود و نیز با در اختیار داشتن چند پایگاه فضایی از جمله پایگاه فضایی بایکونور و داشتن ذخایر عظیم اورانیوم می‌تواند به عنوان یک قدرت هسته‌ای در منطقه مطرح باشد. ازبکستان نیز با قرار داشتن در قلب آسیای مرکزی و دارا بودن مرز مشترک با تمامی جمهوری‌های آسیای مرکزی، پرجمعیت‌ترین کشور منطقه محسوب می‌گردد. این کشور نیز دارای منابع غنی گاز، نفت، ذغال سنگ و طلا می‌باشد. ترکمنستان چهارمین تولیدکننده گاز دنیاست که ذخایر گاز آن را به بیش از ۱۳ تریلیون

مترمکعب تخمین زده‌اند. قرقیزستان در منطقه حایل بین چین و تاجیکستان قرار گرفته با قرار داشتن در مسیر جاده ابریشم از تاریخ و فرهنگ چینی تأثیر قابل ملاحظه‌ای پذیرفته است. قرقیزستان را انبار عظیم مواد کانی و معدنی می‌دانند. ذخایر ذغال سنگ قرقیزستان در منطقه آسیای مرکزی مقام اول را دارد. معادن اورانیوم، طلا، مس، روی و جیوه نیز در این کشور قابل توجه هستند. در مورد تاجیکستان نیز باید گفت که داشتن مرز مشترک با چین و افغانستان و نزدیکی آن به پاکستان و هندوستان، این جمهوری را دروازه آسیای مرکزی برای کشورهای چین، هند و پاکستان قرار داده است.

حکومت‌های آسیای مرکزی عضو SCO پیوستن به این سازمان را ابزاری در جهت تضمین بقای خود در برابر جنبشهای مخالف تلقی می‌کنند و در عین حال به توسعه اقتصادی خویش از طریق کسب کمکها و سرمایه‌گذاری‌های تجاری و اقتصادی چین و روسیه امیدوارند. از دیدگاه این کشورها، SCO می‌تواند به نوعی موجب شود تا آنها از رقابتهای چین، روسیه، و آمریکا در منطقه منتفع شوند و ضمن حفظ استقلال خود، نفوذ آنها را در منطقه تعدیل نمایند. برخی از تحلیلگران معتقدند که این کشورها ناچارند تا بین خرس (روسیه)، اژدها (چین)، و عقاب (آمریکا) تعادل ایجاد کنند. همچنین باید به این نکته نیز اشاره نمود که وقوع انقلابهای رنگین در گرجستان، اوکراین و قرقیزستان (با کمک و حمایت آمریکا) باعث شده است تا رهبران کشورهای آسیای مرکزی متوجه آسیب‌پذیری‌های خود در قبال نیروهای معارض داخلی و مداخلات خارجی (آمریکا) شده و گرایش بیشتری به محور چین-شوروی در SCO پیدا کنند.

الف ۳) سایر اعضا

علاوه بر شش کشور عضو اصلی SCO، این سازمان دارای چهار عضو ناظر نیز می‌باشد که عبارتند از: ایران، هند، پاکستان و مغولستان. باید دانست که همه اعضای ناظر SCO تقاضای رسمی خود را برای پیوستن به این سازمان به عنوان اعضای اصلی و کامل مطرح نموده‌اند. بدین ترتیب چنانچه اعضای ناظر به عضویت کامل این سازمان درآیند، بیش از پیش بر قدرت و

اهمیت ژئواستراتژیکی آن افزوده خواهد شد. در واقع، پیوستن هند و پاکستان، SCO را به سازمانی با نصف جمعیت جهان تبدیل خواهد کرد. این در حالی است که چین با پاکستان روابط حسنه‌ای دارد و از پیوستن آن به SCO حمایت می‌کند و روسیه نیز به شدت مایل به عضویت هند در SCO است. از سوی دیگر تحلیلگران معتقدند که عدم عضویت هند و پاکستان در SCO باعث خواهد شد تا آنها در جهت کاهش نفوذ SCO اقداماتی را به عمل آورده و سلطه چین را بر منابع انرژی آسیای مرکزی و حوزه خزر خنثی سازند. لازم به ذکر است که هند در حال حاضر روابط نزدیکی با تاجیکستان دارد و یک پایگاه هوایی نظامی در «آینی» تاجیکستان دارا می‌باشد که ۱۲ میگ ۲۹ از نیروی هوایی هند را در خود جای داده است. هند همچنین از حمایت رسمی قزاقستان در جهت پیوستن به SCO برخوردار شده است. در عین حال، تازمانی که SCO قدرت و اعتبار لازم را کسب نکرده، از پذیرش اعضای جدید بخصوص اعضای که حضور آنها در SCO تنش‌زا خواهد بود و منجر به عکس‌العمل شدید آمریکا و یا اتحادیه اروپا خواهد شد خودداری خواهد ورزید. ممکن است SCO، پذیرش برخی از کشورهای دیگر - مانند ایران - را به عنوان برگ برنده‌ای در بازی بر علیه غرب مطرح کند و از آن در جهت کسب امتیاز استفاده نماید. نکته بسیار جالب اینکه آمریکا نیز متقاضی عضویت ناظر در SCO شده و همچنین پیشنهاد کرده که در مانورهای نظامی مشترک اعضای SCO شرکت کند که هر دو تقاضا توسط اعضای این سازمان رد شده است. علاوه بر این، بلاروس نیز درخواست عضویت در SCO را مطرح نموده که روسیه با طرح این مسئله که «بلاروس یک کشور آسیایی نیست» هم با عضویت آن مخالفت کرده و هم بر عنصر «آسیایی بودن» SCO تأکید به عمل آورده است. همچنین ولادیمیر پوتین در دیدار خود از هند در سال ۲۰۰۲ میلادی بر شاخصه آسیایی بودن SCO به عنوان «یک ساختار پان آسیایی» صحنه گذاشته است.^۱ در هر حال باید اذعان نمود که آینده SCO تا حد زیادی به اعضای جدید آن نیز بستگی خواهد داشت.

۱. لازم به ذکر است که در بیانیه پایانی اجلاس سران SCO در سال ۲۰۰۶ نیز اعضای SCO بر لزوم «آسیایی بودن» دبیر کل آتی سازمان ملل متحد تأکید بعمل آورده‌اند.

در مورد عضویت هند در SCO باید خاطر نشان نمود که هند و روسیه روابط بسیار نزدیک و صمیمانه‌ای با یکدیگر دارند که ریشه در گذشته دارد و سابقه آن به اوایل دهه ۷۰ میلادی باز می‌گردد. به همین دلیل است که روسیه از عضویت هند در SCO حمایت بعمل می‌آورد. این در حالی است که چین از حضور هند (بعنوان یک رقیب استراتژیک) در آسیای مرکزی نگران است. در عین حال، اگرچه چین تمایل زیادی به عضویت هند در SCO ندارد اما ملاحظات ضدآمریکایی می‌تواند چین را به این امر ترغیب و قانع سازد. عضویت هند در SCO با جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر می‌تواند قدرت فزاینده‌ای را برای این سازمان بوجود آورد. هندی‌ها نیز هم به دلیل لزوم مقابله با گروه‌های افراطی اسلامگرا و هم به لحاظ دسترسی به منابع انرژی آسیای مرکزی به پیوستن به SCO تمایل دارند و علی‌رغم تلاش‌های آمریکا، هند گرایش بیشتری به طرف SCO پیدا کرده است. در واقع، هند در عین حالی که به روابط خود با آمریکا اهمیت می‌دهد، بخاطر ملاحظات فوق‌الذکر به همکاری با SCO تمایل بیشتری پیدا کرده است. در مورد عضویت پاکستان در SCO نیز باید گفت که اعضای SCO در مورد عضویت این کشور در SCO، بخاطر حمایت آن از طالبان و برخی گروه‌های رادیکال اسلامگرا دچار تردید هستند. از سوی دیگر روسیه اعلام داشته که تنها در صورتی از عضویت پاکستان در SCO حمایت می‌کند که هند هم به عضویت این سازمان درآید. با این وجود، در اجلاس سران SCO در سال ۲۰۰۶ میلادی در شانگهای، پرویز مشرف رئیس‌جمهور پاکستان نیز به‌طور رسمی به عنوان عضو ناظر به این اجلاس دعوت شده بود.

و اما در خصوص عضویت ایران در SCO باید گفت که با توجه به مواضع ضدآمریکایی ایران، چین و روسیه تمایل زیادی به استفاده از برگ عضویت ایران در این سازمان در مقابل آمریکا دارند و بر همین اساس در سال ۲۰۰۶، از احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ایران برای شرکت در اجلاس سران SCO در شانگهای دعوت بعمل آوردند و بدین ترتیب احمدی‌نژاد نیز ضمن اعلام صریح درخواست عضویت کامل ایران در SCO چنین گفت:

«ما خواستار گسترش SCO و تبدیل آن به یک ساختار قدرتمند و تأثیرگذار در

سیاستهای منطقه‌ای و بین‌المللی هستیم. این سازمان باید بتواند در مقابل تهدیدات و دخالت‌های غیرقانونی و مداخلات نظامی سایر کشورها در منطقه ایستادگی کند.»

این اظهارات تلویحاً مخالفت ایران را با حضور و نفوذ آمریکا در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و حوزه خزر بخوبی نشان می‌دهند. وی همچنین به نوعی تلاش کرد با ارائه امتیازاتی در زمینه انرژی توجه بیشتر اعضاء را به لزوم عضویت کامل ایران در SCO خاطر نشان سازد؛ وی افزود: «ایران چهارمین تولیدکننده بزرگ نفت در جهان است و حاضر است میزبان وزرای انرژی کشورهای SCO باشد تا راه‌های همکاری‌های بیشتر ایران را با این کشورها در زمینه اکتشاف، بهره‌برداری، حمل و فرآوری نفت و گاز بررسی کنند.»

این در حالی است که ایران سومین تأمین‌کننده نفت وارداتی چین محسوب می‌شود. علاوه بر این، پوتین رئیس‌جمهور روسیه نیز در یک موضع‌گیری صریح طی ملاقات خود با احمدی‌نژاد در اجلاس ۲۰۰۶ سران SCO در شانگهای، آشکارا از حق ایران در دستیابی به انرژی اتمی دفاع کرد. همچنین روسیه اخیراً فروش موشک‌های زمین به هوای TOR-1-M به ایران را اعلام کرد. ایران این موشک‌ها را برای دفاع از تأسیسات اتمی بوشهر در مقابل حملات هوایی احتمالی آمریکا و اسرائیل خریداری کرده است. لازم به ذکر است که امکان پیوستن ایران به SCO به عنوان عضو اصلی و کامل در مذاکرات سفیر ایران با وزیر امور خارجه روسیه نیز مورد بحث قرار گرفته است. در عین حال باید توجه داشت که قزاقستان و قرقیزستان شدیداً با عضویت ایران در SCO مخالفند زیرا با توجه به تقابل ایران با آمریکا بخصوص در مسایل هسته‌ای، این امر را عامل تحریک و خصومت آمریکا نسبت به SCO دانسته و معتقدند که چنین موضوعی SCO را وارد بحران‌های مهمی می‌کند که ثبات و جایگاه آن را در معرض مخاطره قرار می‌دهند. بدین ترتیب باید اذعان نمود که اعضای SCO در حال حاضر مایل نیستند دست به اقداماتی بزنند که نگرانی و وحشت شدید آمریکا را باعث شود. لذا در وضعیت کنونی بعید است مسئله عضویت رسمی ایران را در SCO در دستور کار خود قرار دهند.

ب) همکاری‌هایی در چارچوب SCO

براساس منشور SCO، کشورهای عضو در حوزه‌های متنوع سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی، فرهنگی، کمک‌رسانی در حوادث غیرمترقبه و مقابله با قاچاق مواد مخدر با یکدیگر همکاری می‌کنند. با این وجود، همکاری‌های اصلی بین اعضای SCO در دو حوزه اقتصادی و نظامی - امنیتی صورت می‌پذیرد که در زیر به برخی ابعاد این همکاری‌ها اشاره می‌گردد:

ب ۱) همکاری‌های اقتصادی

چین و روسیه موتور محرکه همکاری‌های اقتصادی بین اعضا در چارچوب SCO می‌باشند. در واقع، SCO به صحنه مسابقه چین و روسیه در کسب امتیازات اقتصادی و تجاری و عقد توافقنامه‌های دو یا چندجانبه اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی تبدیل شده است. البته در این میان نباید از همکاری‌های اقتصادی چین و روسیه با یکدیگر نیز غافل شد. چینی‌ها سرمایه‌گذاری‌های کلانی در مناطق استراتژیک روسیه مانند شرق دور و سیبری انجام داده‌اند و حتی در ساخت بزرگراه مسکو - سنت پترزبورگ نیز سهم عمده‌ای ایفا نموده‌اند.

در اجلاس سالیانه سران SCO در سال ۲۰۰۳، توافقنامه تقویت همکاری‌های اقتصادی توسط اعضای سازمان به امضا رسید و چین نیز پیشنهاد ایجاد یک منطقه آزاد تجاری را بین دولت‌های عضو مطرح ساخت. همچنین باید به تأسیس یک بانک منطقه‌ای سرمایه‌گذاری نیز اشاره نمود که توسط روسیه و قزاقستان با سرمایه اولیه ۱/۵ میلیارد دلار تشکیل گردیده و بخش عمده سرمایه آن توسط روسیه تأمین شده است. در اجلاس سران SCO در مسکو در سال ۲۰۰۵ میلادی نیز توافقاتی بین اعضای سازمان در زمینه انجام پروژه‌های مشترک در زمینه انرژی در حوزه نفت و گاز^۱، استفاده مشترک از منابع آب، بهره‌برداری از ذخایر جدید

۱. باید خاطر نشان نمود که اعضای اصلی و اعضای ناظر SCO در مجموع ۲۰ درصد تولید جهانی نفت و ۵۰ درصد کل استخراج گاز دنیا را در اختیار خود دارند.

هیدروکربنی و تأسیس شورای بین بانکی بعمل آمد. در عین حال باید به حجم عمده توافقات اقتصادی و سرمایه‌گذاری چین با کشورهای آسیای مرکزی نیز اشاره نمود. چین سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در تأسیسات زیربنایی راه‌آهن و حمل و نقل جاده‌ای کشورهای آسیای مرکزی بعمل آورده است. چینی‌ها همچنین اعتبارات مالی قابل توجهی را در اختیار تاجیکستان قرار داده و ساخت یک بزرگراه را در این کشور در دست اجرا دارند. علاوه بر این، چین سرمایه‌گذاری در ساخت یک کارخانه سیمان را در قرقیزستان متقبل شده و علاوه بر این، ایجاد یک خط لوله گاز که ترکمنستان را به ازبکستان و چین متصل می‌سازد، در دست اجرا دارد. این در حالی است که ساخت یک خط لوله گاز بین قزاقستان و چین نیز به موازات خط لوله نفت بین دو کشور توسط چینی‌ها در دست احداث است. باید دانست که یک خط لوله ۱۰۰۰ کیلومتری نفت قزاقستان را به چین متصل می‌سازد.

ب ۲) همکاری‌های نظامی

از جمله مهمترین همکاری‌های نظامی در چارچوب SCO باید به همکاری‌های نظامی چین و روسیه با یکدیگر اشاره نمود. در واقع، درست در همان سال تأسیس SCO در سال ۲۰۰۱، پس از ۵۰ سال اولین توافقنامه مهم بین چین و روسیه تحت عنوان «قرارداد روابط حسن همجواری، دوستی و همکاری» منعقد گردید که زمینه را برای فروش هرچه بیشتر تسلیحات روسی به چین و آموزش افسران چینی در دانشکده‌های نظامی روسیه فراهم ساخت. از آن تاریخ تاکنون، چین و شوروی، به تحکیم و گسترش مناسبات نظامی خود پرداخته‌اند. چین خریدهای نظامی خود را از روسیه در زمینه خرید هواپیماهای جنگنده، هواپیماهای بدون سرنشین، موشک‌های میان برد و دور برد، زیر دریایی‌های پیشرفته و موشک‌های هدایت شونده سرعت بخشیده است. در واقع چینی‌ها تقریباً سالیانه یک میلیارد دلار تسلیحات نظامی از روسیه خریداری می‌کنند. همچنین در این راستا باید از برگزاری اولین مانور بزرگ مشترک چین و

روسیه در اوت ۲۰۰۵ میلادی تحت عنوان «مأموریت صلح» نیز نام برد که در مناطق ساحلی چین در شاندونگ و منطقه شرق دور روسیه برگزار شد و ده‌هزار نیروی نظامی دو کشور در آن مشارکت داشتند. وزرای دفاع کشورهای عضو SCO و اعضای ناظر نیز برای مشاهده این مانور عظیم دعوت شده بودند. همکاری‌های امنیتی - نظامی دو کشور گاهی ابعاد سیاسی و دیپلماتیک نیز پیدا می‌کند؛ فی‌المثل در حالی که چین از سرکوب شدید شورشیان چین توسط روسیه حمایت بعمل می‌آورد، روس‌ها نیز از درخواست چین مبنی بر بازگشت تایوان به سرزمین اصلی چین طرفداری می‌کنند. همکاری‌های نظامی در داخل SCO به چین و روسیه محدود نمی‌شود. در واقع بر اساس منشور SCO، بطور بالقوه این امکان وجود دارد که هر یک از اعضاء در صورت حمله نظامی به یک عضو SCO، در دفاع از آن اقدام نمایند. بدین ترتیب اعضای SCO آمادگی خود را برای بکارگیری نیروی نظامی مشترک در جهت مقابله با تهدیدات و چالش‌های جدید مثل تروریسم بین‌الملل اعلام نموده‌اند تا بدین وسیله از برقراری صلح در بین ملت‌های SCO حمایت کنند. بر همین اساس در ۲۰۰۲ میلادی مانور نظامی مشترک ضد تروریستی بین چین و قزاقستان برگزار شد و در ۲۰۰۳ همه کشورهای عضو SCO (به استثنای ازبکستان) یک مانور ضد تروریستی مشترک انجام دادند. همچنین مبارزه با باندهای مسلح قاچاق مواد مخدر در مرزهای مشترک کشورهای عضو SCO جزء اولویتهای اساسی اعضا قرار گرفته است.

باید خاطر نشان ساخت که دو سازمان امنیتی - نظامی دیگر در منطقه آسیای مرکزی و مناطق همجوار وجود دارند که با شرکت اعضای SCO و مسکو و برخی کشورهای دیگر منطقه شکل گرفته‌اند: یکی از این سازمانها «مرکز ضد تروریستی» است که در سال ۲۰۰۰ میلادی با حضور مسکو و کشورهای تازه استقلال یافته از شوروی سابق تشکیل شده و مقر آن در مسکو می‌باشد. دیگری «سازمان پیمان امنیت دسته جمعی» (CSTO) است که با شرکت روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، بلاروس و ارمنستان، در سال ۲۰۰۵ میلادی تأسیس گردید. اعضای این سازمان با تأسیس سیستم پدافند هوایی واحد و ایجاد یک نیروی واکنش

سریع در آسیای مرکزی موافقت کردند. همچنین تأسیس یک کمیسیون بین دولتی در خصوص همکاری اقتصادی - نظامی به منظور گسترش روابط نزدیک تر مابین صنایع دفاعی کشورهای عضو در دستور کار قرار گرفته است. علاوه بر این، در این چارچوب، روسیه موافقت کرده است تا پرسنل نظامی کشورهای عضو CSTO را آموزش داده و تجهیزات نظامی را با قیمتی پایین به آنها بفروشد. هر دو سازمان مذکور توسط ژنرال های بازنشسته روسی رهبری می شوند. در کنار فعالیتهای امنیتی - نظامی این دو سازمان، باید به تداوم مانورهای مشترک نظامی اعضای SCO نیز اشاره نمود که بطور روزافزونی گسترش پیدا می کنند. حتی اخیراً مقامات روسی از احتمال شرکت آتی هند در مانورهای نظامی مشترک SCO خبر داده اند که می تواند افزایش ابعاد این همکاری ها را در آینده نوید دهد.

ج) تقابل با آمریکا

اگرچه در «بیانیه تأسیس سازمان همکاری شانگهای» صادره در ۲۰ ژوئن ۲۰۰۱ بر این نکته تصریح شده است که «SCO اتحادیه ای علیه کشور یا منطقه دیگری نیست»، اما نشانه های آشکاری وجود دارند که نشان می دهند SCO بطور روزافزونی در تقابل صریح با یکجانبه گرایی آمریکا و گسترش حضور و نفوذ آن در آسیای مرکزی قرار می گیرد. در بیانیه پایانی اجلاس سران کشورهای عضو گروه شانگهای پنج که در دوشنبه تاجیکستان در سال ۲۰۰۰ میلادی برگزار شد، بر «مخالفت با هرژمونی غربی» و «شکل گیری جهانی چندقطبی» تأکید به عمل آمده بود و حمایت کشورهای عضو این گروه از «اولویت بخشیدن بر جایگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد» و مخالفت آنها با «اصل مداخله بشردوستانه» اعلام گردیده بود.

در واقع چین و روسیه که از پایه گذاران اصلی SCO محسوب می شوند در صددند تا از طریق تقویت این سازمان، خلاء قدرتی را که پس از فروپاشی شوروی در آسیای مرکزی ایجاد شده بود و آمریکا تلاش می کرد تا آن را پر کند، با حضور قدرتمند خود جایگزین کنند. حضور و

نفوذ فزاینده آمریکا در آسیای مرکزی، پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برای چین و روسیه بسیار ناخوشایند بوده است. این دو کشور از احتمال دائمی شدن حضور آمریکا در آسیای مرکزی بشدت نگرانند و لذا هر دو در این نقطه اشتراک نظر دارند که هر دو مایل به کاهش و یا حتی حذف حضور و نفوذ آمریکا در آسیای مرکزی هستند. البته نباید فراموش کرد که چین و روسیه در آسیای مرکزی در حوزه انرژی رقیب یکدیگرند ولی منافع آنها در این منطقه ایجاب می‌کند که با هم بر علیه نفوذ آمریکا همکاری کنند. در واقع یک «نظم نوین آسیایی» مد نظر چین و روسیه است که در آن، جایی برای حضور و نفوذ آمریکا و دموکراسی و حقوق بشر و ارزشهای آمریکایی وجود ندارد. بر همین اساس، در بیانیه پایانی اجلاس سران کشورهای عضو SCO در ژوئن ۲۰۰۲ میلادی این کشورها نارضایتی خود را از «کاربرد استانداردهای دوگانه در مسئله حقوق بشر، دخالت در امور داخلی سایر کشورها به بهانه دفاع از حقوق بشر» اعلام کردند.

در ملاقات سران روسیه و چین در ژوئن ۲۰۰۵ میلادی در مسکو، ولادیمیر پوتین و هو جین تائو رؤسای جمهور روسیه و چین بیانیه مشترکی را تحت عنوان «نظم جهانی در قرن بیست و یکم» منتشر کردند که در آن به «قدرتهای خارجی» بخاطر «تلاش برای اعمال سلطه بر روندهای جهانی» هشدار دادند و مخالفت خود را با اقداماتی در خصوص «تحمیل مدل‌های توسعه اجتماعی و سیاسی از خارج» اعلام نمودند. همچنین دو طرف مجدداً خواسته مشترک خویش را مبنی بر شکل‌گیری «جهانی چندقطبی» مورد تأکید قرار دادند. تحلیل‌گران متعددی این بیانیه را هشدار آشکار به آمریکا و یکجانبه‌گرایی آن دانسته‌اند. علاوه بر این در پایان اجلاس سران کشورهای عضو SCO در ژوئن ۲۰۰۵ میلادی در آستانه پایتخت قزاقستان اعضای این سازمان در بیانیه نهایی خود از آمریکا خواستند به دلیل کاهش منازعات در افغانستان، جدول زمانی خروج نیروهایش را از پایگاههای نظامی خود در کشورهای عضو SCO تنظیم و ارائه کند. در همین راستا، وزیر خارجه ازبکستان در پایان اجلاس مذکور اعلام کرد که «پایگاه هوایی آمریکا در خان‌آباد، نباید در جهت اهداف دیگری غیر از حمایت از عملیات جنگی

آمریکا در افغانستان مورد استفاده قرار بگیرد». وزیر دفاع روسیه نیز پیشتر در همین جهت اظهار داشته بود که «روسیه حضور پایگاههای نظامی ناتورا در ازبکستان و قرقیزستان صرفاً برای مدت زمان لازم به منظور جنگ با تروریسم در افغانستان می پذیرد و نه برای زمانی بیشتر». بدنبال این موضعگیریها قرقیزستان نیز تصمیم گرفته است تا مبلغ اجاره پایگاه نظامی «ماناس» را برای آمریکاییها از دو میلیون دلار در سال به دو یست میلیون دلار در سال افزایش دهد.

اوج موضعگیریهای ضدآمریکایی SCO را می توان در بیانیه پایانی اجلاس سران کشورهای عضو این سازمان در شانگهای در سال ۲۰۰۶ میلادی مشاهده نمود. در این بیانیه چنین آمده است: «کشورهای آسیای مرکزی می بایست راههای توسعه را بر اساس نیازها و منافع خود برگزینند. تنوع تمدنی و مدلهای توسعه می بایست مورد توجه و حمایت قرار گیرد. تفاوتهای در سنتهای فرهنگی، سیستمهای سیاسی و اجتماعی، ارزشها و نیز مدلهای توسعه شکل گرفته در طول تاریخ نمی بایست بهانه ای برای دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر تلقی شوند. ... SCO مشارکتی سازنده در برقراری ساختار امنیتی جدید جهانی بر مبنای اعتماد متقابل، منافع، مساوات و احترام متقابل خواهد داشت.

... تنها با همکاری گسترده میان همه کشورها و سازمانهای بین المللی می توان بطور مؤثر با تهدیدات و چالشها مقابله نمود. تعیین روشها و مکانیسمهای تضمین امنیت منطقه، حق و مسئولیتی است که صرفاً به کشورهای منطقه مربوط می شود».

مفاد این بیانیه لحنی ضدآمریکایی داشت و بر این نکته تأکید نموده بود که اعضای SCO با هماهنگی با یکدیگر در جهت کاهش حضور ژئوپلیتیک آمریکا در آسیای مرکزی عمل خواهد کرد. این بیانیه تلویحاً «انقلابهای رنگین» را کار آمریکا می دانست. بر همین اساس بود که ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در ژانویه ۲۰۰۶ میلادی قانونی را به امضاء رساند که بر مبنای آن، سازمانهای غیردولتی (NGO) خارجی نمی توانند به حمایت مالی یا هر نوع اقدام و فعالیت دیگری که امنیت ملی روسیه را مورد مخاطره قرار دهد دست بزنند. تصویب این قانون،

عملاً سازمانهای مورد حمایت آمریکا را در منطقه در جهت گسترش بحرانها و انقلابهای رنگین با محدودیت مواجه می‌سازد. در مجموع، با توجه به دلایل و نشانه‌های فوق می‌توان بر جنبه ضدآمریکایی و نظامی بودن SCO تأکید به عمل آورد. در واقع ساختار SCO یک ساختار امنیت دسته‌جمعی است؛ با مانورهای مشترک امنیتی و نظامی در چارچوب آن برگزار می‌شود؛ و تلاشهایی از سوی چین و روسیه برای دستیابی به پایگاههای نظامی در کشورهای عضو صورت می‌گیرد. البته باید اذعان نمود که SCO در کوتاه‌مدت به یک اتحادیه ضدآمریکایی صریح تبدیل نخواهد شد زیرا اعضای آن در حال حاضر تمایل و قدرت تقابل و رویارویی مستقیم با غرب را ندارند. اما در میان مدت و بلندمدت به ویژه در صورتی که آمریکا بر گسترش حضور و نفوذ خود در آسیای مرکزی بیفزاید و یکجانبه‌گرایی بیشتری را اعمال نماید، احتمال تبدیل سریعتر SCO به یک اتحادیه آشکارا ضدآمریکایی وجود خواهد داشت.

۳. دیدگاه آمریکا نسبت به SCO

آنچه که مسلم است این که SCO منافع استراتژیک آمریکا را حداقل در منطقه آسیای مرکزی در معرض مخاطره قرار داده است. در واقع، صرف‌نظر از اظهارات مقامات آمریکایی مبنی بر تعهد آمریکا به گسترش ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشر در جهان، اوراسیا منطقه‌ای است که به دلایل استراتژیک مربوط به انرژی، امنیت و تجارت مورد توجه آمریکایی‌ها قرار دارد. در همین راستا در بیانیه صادره توسط سران کشورهای شرکت‌کننده در شورای آتلانتیک شمالی در نوامبر ۲۰۰۲ میلادی، اعضای ناتو صراحتاً اعلام کردند که منطقه قفقاز و آسیای مرکزی را «حوزه استراتژیکی مهمی» تلقی می‌کنند. بدین ترتیب برخی کشورهای این منطقه مانند قزاقستان از مناطق مهم در محاسبات استراتژیکی آمریکا در آسیای مرکزی محسوب می‌شوند که با منابع عظیم انرژی خود جاذبه فوق‌العاده‌ای برای قدرتهای خارجی ایجاد کرده‌اند. پیوستن این کشورها به SCO که از نقطه نظر آمریکایی‌ها در تقابل با منافع آنها قرار دارد و مدلی (اقتصادی - سیاسی) مخالف مدل مورد نظر آمریکا ارائه می‌کند، چندان خوشایند آنها نیست.

در واقع آمریکایی‌ها SCO را سازمانی متشکل از اعضای با حکومت‌های اقتدارگرا می‌دانند که تحت رهبری و کنترل دو قدرت اتمی یعنی چین و روسیه قرار دارد. قدرت این سازمان که یک چهارم جمعیت جهان را (یک و نیم میلیارد نفر) دربر گرفته - بخصوص با گسترش احساسات ضد آمریکایی در منطقه که دورنمایی را از عقب‌نشینی آمریکا از آسیای مرکزی مطرح می‌سازد - زنگهای خطر را برای آمریکا به صدا درآورده است. برخی تحلیلگران آمریکایی SCO را در حد «اتحاد مقدس» اتریش، پروس و روسیه در ۱۸۱۵ میلادی، که یک اتحاد محافظه‌کار و ضدلیبرالی بود و نگاه درونی داشت، ارزیابی کرده‌اند. برخی دیگر نیز این سازمان را یک «پیمان ورشو مدرن» تلقی می‌کنند که در صدد کاهش نفوذ جهانی آمریکا می‌باشد و مقابله با توسعه‌طلبی این کشور را در آسیای مرکزی و خاورمیانه هدف خود قرار داده است. آمریکایی‌ها برای مقابله با SCO ابتدا از طریق راههای مسالمت‌آمیز و پیشنهادات اقتصادی وارد عمل شده‌اند. تشویق روسیه به همکاری با آمریکا در مقابله مشترک با گروه‌های افراطی اسلام‌گرا و یا حمایت از پیوستن قزاقستان به سازمان تجارت جهانی نمونه‌ای از اینگونه اقدامات است. آمریکایی‌ها با حمایت از عضویت قزاقستان در سازمان تجارت جهانی امیدوارند با گسترش مناسبات خود با این کشور آن را به عاملی تعدیل‌کننده در داخل SCO نسبت به حضور آمریکا در منطقه تبدیل کنند. در اقداماتی با درجه ملایمت کمتر، آمریکایی‌ها، شورای مشارکت اروپایی - آتلانتیک (EAPC) را بوجود آوردند که نشأت گرفته از «طرح مشارکت برای صلح» ناتو (PFP) است و تلاش می‌کند تا رسماً کشورهای آسیای مرکزی را به ناتو پیوند دهد. البته اینگونه اقدامات آمریکا با مخالفت‌هایی حتی از سوی برخی متحدان آن نیز مواجه شده است. اخیراً ترکیه با گسترش دامنه فعالیت‌های نیروهای نظامی ناتو به حوزه دریای سیاه برای مقابله با تروریسم مخالفت کرده است این در حالی است که روسیه نیز بشدت با گسترش نفوذ استراتژیک آمریکا به مناطق نفوذ خود مخالف است.

در یک اقدام دیگر، آمریکایی‌ها تلاش کردند تا مستقیماً به داخل ساختار SCO نفوذ کنند و لذا پیشنهاد پذیرش آمریکا را به عنوان عضو ناظر در SCO مطرح ساختند. البته

آمریکایی‌ها در طرح این پیشنهاد روی حمایت برخی از اعضای SCO هم حساب کردند و امیدوار بوده که قزاقستان و یاقرقیزستان از این طرح حمایت کنند ولی با مخالفت اعضای SCO مواجه شدند. بدین ترتیب آمریکایی‌ها نیز با اشاره به قراردادهای امنیتی - نظامی خود با قرقیزستان و ازبکستان از ارائه جدول زمانی مورد نظر SCO، برای خروج نیروهای خود از کشورهای آسیای مرکزی، مولداوی، گرجستان و آذربایجان گرایشات بیشتری را به سوی غرب از خود نشان دهند و یا حتی بتوانند کشورهایایی مثل ارمنستان و بلاروس را که از جمله متحدین نزدیکتر روسیه بوده‌اند، نیز به طرف خود جلب و جذب نمایند. با این حال با تشدید مواضع ضدآمریکایی SCO، اگرچه ممکن است آمریکایی‌ها به این عقیده برسند که «محور شرارت» جدیدی در قالب SCO در حال شکل‌گیری است اما، محتاطانه از اینکه این دیدگاه خود را ابراز کنند خودداری نموده‌اند.

۴. چشم‌انداز آینده

SCO هسته اولیه شکل‌گیری یک سیستم ضدآمریکایی در آسیاست که چین نقش اصلی را در آن ایفا می‌کند. اخراج آمریکا از آسیای مرکزی هدف اصلی SCO محسوب می‌شود. در واقع، چین و روسیه نسبت به حضور واشنگتن در منطقه آسیای مرکزی که بطور سنتی «حوزه نفوذ» آنها تلقی شده است، بشدت حساس و نگران هستند. SCO در جهت اهداف ژئوپلیتیک چین و روسیه بکار گرفته می‌شود. همکاری‌های فزاینده چین و روسیه نشانگر این نکته است که این دو کشور به تفاهم مشترکی دست یافته‌اند که بر اساس آن چارچوب ژئوپلیتیک جدیدی را در حوزه آسیای مرکزی بوجود آورند. چین و روسیه در نظر دارند تا با حضور و نفوذ آمریکا در منطقه آسیای مرکزی مقابله نموده و حوزه نفوذ مشترکی را برای خود در این منطقه تثبیت نمایند. ژئوپلیتیک آسیای مرکزی به ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و گسترش حضور نظامی آمریکا در «حیاط خلوت» روسیه و چین پیچیده‌تر شده است. در عمل، ورود یک ابرقدرت دیگر (آمریکا) در بازی ژئوپلیتیک منطقه، معادلات قبلی را برهم زده است. در این میان، SCO در حال تبدیل شدن به یک قطب قدرت جدید است که در نظر دارد با نفوذ و هژمونی جهانی آمریکا حداقل در آسیای مرکزی مقابله کند. صرف‌نظر از تهدیدات نظامی و امنیتی و یا چالش‌های

اقتصادی که SCO می‌تواند بر علیه آنها مطرح سازد، مسئله اساسی این است که SCO دیدگاه آمریکایی را در خصوص نظم نوین جهانی به چالش کشیده است. بدین ترتیب موازنه قوا در آسیای مرکزی به ضرر آمریکا در حال تغییر است. قطب قدرت جدیدی در آسیا در حال شکل‌گیری است که دارای قدرت نظامی گسترده، منابع عظیم نفت و گاز، و جمعیت و مساحت قابل ملاحظه‌ای است.

کشورهای عضو SCO هر چه بیشتر به تبعیت از سیاستهای چین و روسیه تمایل پیدا کرده‌اند. اعضای SCO در اجلاس سران در ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۶ بر حق خود در مورد حل مسائل منطقه آسیای مرکزی تأکید کردند و در واقع به پیروی از مواضع چین و روسیه به نوعی با حضور و نفوذ آمریکا در منطقه مخالفت نمودند. SCO همچنین در جهت حمایت از مواضع چین، اولین سازمان منطقه‌ای بود که با افزایش تعداد اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد - و حضور برزیل، ژاپن، آلمان، هند در آن صریحاً مخالفت کرد.

از نظر ژئواستراتژیک، SCO محل تلاقی منافع مشترک قدرتهای عمده‌ای مانند چین، روسیه و جمهوری‌های سابق شوروی در آسیای مرکزی (به استثنای ترکمنستان که در سیاست خارجی خود، موضع بیطرفی و انزوا اتخاذ کرده است) می‌باشد که این منافع می‌توانند با منافع ایران و هند نیز همگرایی داشته باشند. البته SCO در حال حاضر اتخاذ مواضع صریح و شدید ضد آمریکایی را به نفع خود نمی‌داند و به همین جهت است که در پذیرش اعضای جدید - به ویژه اعضای با مواضع ضد آمریکایی صریح‌تر - از خود تردید نشان می‌دهد. در عین حال، یکجانبه‌گرایی بیشتر آمریکا، احتمال اتخاذ مواضع صریح‌تر و شاید شدیدتر کشورهای عضو SCO بر علیه حضور آمریکا در منطقه آسیای مرکزی را افزایش خواهد داد و در این حالت است که SCO در تقابل آشکارتر با هژمونی آمریکا قرار خواهد گرفت و به ویژه در صورت پیوستن ایران، هند و پاکستان به آن، مستحکم‌تر و فعالتر عمل خواهد کرد.

منابع

1. Sergei Blagov, "Russia Seeking To Strengthen regional organizations to Counterbalance western influence" *Eurasia Insight*, August 6, 2006.
2. Stephen Blank, "The Shanghai Cooperation Organization: Cracks behind the facade", *Eurasia Insight*, August 6, 2006.
3. Stephen Blank, "Central Asia and the transformation of Asia's Strategic geography", *Journal of East Asian Affairs*, 17, No.2, (2003): 338.
4. Peter Brookes, "Club for Dictators: An ugly agenda for Asia", *The Heritage Foundation*, June 12, 2006.
5. The Charter of the Shanghai Cooperation Organization, 10 June 2002.
6. Ariel Cohen, "The U.S. Challenge at the Shanghai Summit", *Web Memo* (published by the Heritage Foundation), No.1124, June 13, 2006.
7. Ariel Cohen and John Tkacik, "Sino - Russian Military Maneuvers: A Threat to U.S. Interests in Eurasia", *Backgrounders*, No.1883, Sep.30, 2005.
8. Declaration on the Creation of the Shanghai Cooperation Organization, 20 June 2001.
9. Mathew Oresman, "The Moscow Summit: Tempered Hope for the SCO", *central Asia - Caucasus Analyst*, June 4, 2003.
10. David Shambaugh, "China's New Diplomacy in Asia", *Foreign Service Journal*, May 2005.
11. Frederich Stakelbeck, "The Kings of Asia Gathering: But Why?" *Global Politician*, August 8, 2005.
12. Dimitri Trenin, "Russia and Global Security Norms", *Washington Quarterly* 27, No.2 (2003): 73.